

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هجدهم، شماره هفتادویکم

پاییز ۱۳۹۶

سیاست امام هادی علیه السلام در برخورد با مسئله خلق قرآن

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱

تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۱۲

محمدعلی چلونگر^۱

مسئله خلق قرآن، از جمله رویدادهای پُرآوازه دوران مأمون و جانشینان او، یک نزاع کلامی صرف نبود که مخالفان و موافقان آن، با استدلال و احتجاج به بیان دیدگاه خود پردازند؛ بلکه با عنوان «محنت» به یک موضوع سیاسی و اجتماعی تبدیل شد و با تقسیم مسلمانان به دو دسته «باورمندان» و «غیرباورمندان» به آن، منازعات و مجادلات فراوانی را دامن زد و تا آنجا پیش رفت که انسجام فکری جامعه اسلامی را هم تهدید کرد. خلفای عباسی نیز در پی بهره‌برداری‌های خود از این ماجرا بودند.

این مقاله، با رویکردی تاریخی و با روش توصیفی - تحلیلی، کوشیده است مفهوم خلق قرآن و عوامل مطرح‌شدن این موضوع از سوی معتزله و عباسیان، و سرانجام سیاست امام هادی علیه السلام را در برخورد با این مسئله بررسی کند. یافته‌های پژوهش نمایانگر آن است که امام هادی علیه السلام همچون امامان پیش از خود، در برخورد با این مسئله، سیاستی متفاوت با دو جریان فکری حاکم، یعنی معتزله و اهل حدیث و نیز دستگاه خلافت پیش گرفتند. امام هادی علیه السلام

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، رایانامه: m.chelongar@yahoo.com

موضوع خلق قرآن را یک فتنه می‌دانستند و بر همین اساس و با تدبیر ایشان، شیعیان از ورود به این بحث بی‌حاصل خودداری کردند.

کلیدواژگان: امام هادی علیه السلام، خلق قرآن، محنت، مأمون، احمدبن حنبل.

مقدمه

یکی از مباحث کلامی و اعتقادی که در جامعه اسلامی در سده‌های دوم و سوم هجری به وجود آمد و بعد از مدتی به عنوان یک مسئله مهمّ دنیای اسلام تبدیل گشت، مسئله قدم یا خلق^۱ قرآن است. این مسئله، از دو نظر قابل بررسی است: یکی جنبه تحقیق درباره دلایل طرفداران حدوث و قدم قرآن که مربوط به مباحث کلامی است، و دیگری از جنبه تاریخی و بررسی علل طرح و تطورات آن که مربوط به مباحث تاریخ‌شناسی علم کلام است. آنچه در اینجا مد نظر است، بخش دوم آن، یعنی جنبه تاریخی و بررسی علل طرح و تطورات آن است. این مجادله کلامی، آن‌چنان بالا گرفت که انسجام فکری جامعه اسلامی را در معرض خطر قرار داد و مسلمانان را به دو بخش تقسیم نمود. در این نزاعات و مجادلات، دستگاه خلافت در دوره مأمون (حک ۱۹۳-۲۱۸ق) در آن دخالت نمود و عصر محنه^۲ توسط مأمون شکل گرفت. عصر محنه، از سوی جانشینان مأمون،

۱. خلق قرآن، نظریه‌ای مهم در کلام اسلامی است درباره ماهیت قرآن؛ مبنی بر اینکه قرآن، مخلوق است. طرفداران این نظریه، قرآن را مخلوق و حادث دانسته، در مقابل کسانی قرار گرفته‌اند که قرآن را غیرمخلوق و قدیم شمرده‌اند. اختلاف اصلی این دو گروه، بر سر ماهیت ازلی نخستین صورت قرآن است که آیا در ازلیت، با خدا شریک است یا وابسته به اراده اوست؟ (ر.ک: قاضی عبدالجبار بن احمد، *المغنی فی ابواب التوحید و العدل*، ج ۷، ص ۳)

۲. عصر محنه، به دوره‌ای اطلاق می‌شود که با دستورعمل مأمون، خلیفه عباسی، در ربیع الأوّل ۲۱۸ شروع گردید و تا آغاز دوره متوکل ادامه یافت. بر اساس دستورعمل وی، مقرر شد تا عقاید قاضیان درباره خلق قرآن مورد آزمایش قرار گیرد و کسانی که موافق نبودند، برکنار شوند و بر آنان سخت گرفته شود. (ر.ک: محمدبن جریر طبری، *تاریخ طبری*، ج ۸، ص ۶۱۹ به بعد)

یعنی معتصم و واثق، دنبال گردید و دستگاه خلافت در صدد رویارویی با مخالفان، یعنی اهل حدیث برآمد.^۱

مجادلات کلامی مسئله خلق قرآن، با دوران حضور امامان شیعه مصادف بود. عملکرد ائمه علیهم السلام شیعه که ناظر این صحنه بودند، برای شیعیان بسیار مهم بود. این نزاع در دوره امامت امام هادی علیه السلام (امامت ۲۲۰ - ۲۵۴ق)، به عنوان یک مسئله فکری و سیاسی اذهان جامعه را به خود مشغول داشت. نوع برخورد امام هادی علیه السلام و ائمه پیش از وی، برای شیعیان مهم بود؛ چراکه اگر برخورد ائمه علیهم السلام نبود، می توانست شیعیان را یکی از دو طرف نزاع قرار دهد. این مقاله، در نظر دارد دیدگاه و برخورد امام هادی علیه السلام با مسئله خلق قرآن و تأثیر آن در جامعه شیعیان را بررسی کند و به سؤال ذیل پاسخ دهد: «سیاست امام هادی علیه السلام در برخورد با این مسئله چگونه بود؟»

در باب موضوع خلق قرآن، تاکنون پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است که عمدتاً ذیل موضوع محنه یا دیدگاه خلفای عباسی در خصوص فلسفه و کلام است. در این پژوهش‌ها، تکیه بیشتر بر سیاست خلفای عباسی در این زمینه یا برخورد مذاهب و فرق اسلامی با این مسئله است و یا از نگاه کلامی بررسی شده است؛ از آن جمله می توان به مقالات: «عصر محنه در تمدن مسلمانان» از محمد رضایی، «عصر محنت» از فاطمه خرم، «مأمون و عصر محنه» از علی ناظمیان فرد، «گونه‌شناسی رفتار سیاسی علمای شاخص معتزلی و خلفای عباسی در عصر خلافت هارون تا پایان دوره واثق» از نیره دلیره، و نیز کتب *المحنة بحث فی جدلیة الدینی والسیاسی فی الاسلام* از فهمی جدعان، و *المحنة* از ابوالعرب اشاره کرد.

در این مقالات و کتب، محور اصلی بحث، بر سیاست خلفای عباسی و علل حمایت یا مخالفت آنان با این مسئله و آثار و نتایج مسئله طرح موضوع خلق قرآن در جامعه است.

۱. ابن‌المرتضی، *طبقات المعتزلة*، ص ۶۱ و ۷۶.

مقاله «بررسی رویکرد کلامی اشاعره و معتزله به چیستی کلام الهی» از محمدرضا حاجی اسماعیلی، از زاویه کلامی به این مسئله نگریسته است. در این تحقیقات، برخورد امام هادی علیه السلام به طرح موضوع خلق قرآن مطرح نگردیده یا به صورت گذرا اشاره‌ای مختصر شده است.

در آثار مربوط به امام هادی علیه السلام اشاراتی به موضوع برخورد ایشان با مسئله خلق قرآن شده است؛ ولی به صورت جامع، سیاست امام علیه السلام در این زمینه بررسی و تحلیل نشده است؛ از جمله این آثار، می‌توان به کتب زیر اشاره کرد:

تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام،^۱ سیره عملی امام علی النقی الهادی علیه السلام،^۲ حیات الإمام الهادی علیه السلام،^۳ امام الهادی علیه السلام قدوة واسوة،^۴ الإمام الهادی علیه السلام مع مروق القصر وقضاة العصر^۵ و موسوعة الإمام الهادی علیه السلام.^۶

پیشینه تاریخی مسئله خلق قرآن

بنا بر برخی گزارش‌های تاریخی، این پرسش که «حقیقت کلام خداوند چیست؟ و اینکه آیا قرآن مخلوق است یا غیرمخلوق، حادث است یا قدیم؟»، از جانب مسیحیان و در رأس آنان یوحنا دمشقی^۷ (م ۷۴۹م) آغاز گردیده است. وی با پرسش‌هایی از این دست،

۱. باقر شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع)، ۱۳۷۱ ش.

۲. کاظم ارفع، سیره عملی امام علی النقی الهادی علیه السلام، قم: فیض کاشانی، [بی تا].

۳. محمدجواد الطیبی، حیات الإمام الهادی علیه السلام، قم: فیض کاشانی، ۱۴۲۶ ق.

۴. سید محمدتقی المدرسی، الإمام الهادی علیه السلام قدرة و اسوة، تهران: مکتب العلامة المدرس، ۱۴۲۰ ق.

۵. کامل سلیمان، الإمام الهادی علیه السلام مع مروق القصر وقضاة العصر، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۲۱ ق.

۶. ابوالفضل طباطبایی اسکندری و مهدی اسماعیلی، موسوعة الإمام الهادی علیه السلام، قم: مؤسسه ولی عصر، ۱۴۲۴ ق.

۷. یوحنا دمشقی، Johanne Damascius، پسر سرجون (سرجیوس صغیر)، نوه ابن سرجون معروف، در سال ۶۷۹ میلادی در دارالخلافه دمشق به دنیا آمد و تا سال ۷۲۵ میلادی در آن شهر ماند. او دوران خلافت نه یا ده خلیفه اموی را درک کرد و سرانجام به قدس رفت و در سال ۷۴۹ میلادی در آنجا درگذشت. (ر.ک: عبدالرحمن بدوی، مذاهب الاسلامیین، ج ۱، ص ۱۱۸)

مسلمانان را در حوزه عقاید به تشکیک وامی‌داشت. او با تکیه بر قرآن که تصریح دارد عیسی بن مریم علیه السلام، کلمه‌ای است که خداوند آن را بر مریم القا نمود، تفکر قدیم بودن کلمه الله را به شیوه خاصی رواج داد و این سؤال را مطرح نمود که آیا کلمه الله قدیم است؟ یوحنا اگر پاسخ مثبت می‌شنید، مدعی می‌شد که ادعای نصاری مبنی بر قدیم بودن عیسی درست است و اگر پاسخ منفی می‌شنید، می‌گفت: شما می‌پندارید که کلام خدا، مخلوق است؟^۱

این سخن، همان سخنی است که ولید بن مغیره^۲ (م سال یکم هجری) گفت: «إن هذا إلا قول البشر (مدثر: ۲۱) و قرآن آن را به شدت رد کرد.» از آنجا که طرح این بحث در تاریخ گذشته مسلمانان بی‌سابقه بود، آرای گوناگونی پدیدار شد؛ چنان که در میان مسلمانان، ابن کلاب^۳ (م ۲۴۰ق) تحت تأثیر شبهات مسیحیان قرار گرفت و از غیرمخلوق بودن قرآن سخن گفت.^۴ پس از او، اهل حدیث نیز معتقد به قدم قرآن شدند. احمد بن حنبل^۵ (م ۲۴۱ق) تصریح کرد که کلام خدا از علم ازل و قدیم است.^۶

۱. محمد ابوزهره، *تاریخ المذاهب الاسلامیة فی السیاسة والعقائد وتاریخ المذاهب الفقهیة*، ص ۱۴۸.

۲. از رؤسای قریش و قضات عصر جاهلیت بود. وی از دشمنان سرسخت اسلام بود و مشرکان را در چگونگی مبارزه با رسول خدا(ص) راهنمایی می‌کرد. (غلامرضا تهامی، *فرهنگ اعلام تاریخ اسلام*، ج ۲، ص ۲۱۱)

۳. ابن کلاب، از متکلمان قرن سوم هجری است. وی از کسانی است که مبانی و مقدمات مکتب اشاعره را پیش از ابوالحسن اشعری فراهم آورد. او قائل به آن بود که سخن خدا، صفت ذات خدا و قدیم و غیرمخلوق است. (محمد مجتهد شبستری، «معنای کلام وحیانی در نظر متألهان مسلمان»، *مجله مقالات و بررسی‌ها*، ش ۵۳ و ۵۴، ص ۶۰)

۴. ابوالحسن علی بن اسماعیل الاشعری، *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، ص ۵۴۸.

۵. فقیه و محدث حافظ و پیشوای مذهب حنبلی است. اصل او، از مرو بود. اثر بزرگ او، *المسند* در شش مجلد و سی هزار حدیث است. وی در فتنه خلق قرآن، به حکم معتصم زندانی شد و تازیانه خورد. چون متوکل به خلافت رسید، او را بسیار احترام گذارد و به مجادله خلق قرآن خاتمه داد. (تهامی، پیشین، ص ۵)

۶. ابن حزم، *الفصل فی الملل والاهواء والنحل*، ج ۳، ص ۱۱.

حشویه^۱ هم از نظریه قدیم بودن اصوات و حروف کلام خداوند دفاع کردند و حتی قائل به قدیم بودن جلد قرآن شدند.^۲

از آنجا که اعتقاد به قدیم بودن کلام الهی مستلزم موجود قدیم دیگری همراه با خداوند متعال است، از همان آغاز ظهور این نظریه، گروهی همانند جعدبن درهم^۳ (م ۱۲۴ق) و جهم بن صفوان^۴ (م ۱۲۸ق) با آن به مخالفت پرداختند و اعتقاد به قدیم بودن قرآن را رد کردند.^۵ سپس، معتزله قدیم بودن کلام خدا را انکار کردند. آنها از حدوث کلام خداوند متعال سخن به میان آوردند و در کتاب‌های خود و در مجامع علمی، به نقد مبانی و ادله نظریه قدیم پرداختند.^۶

خلفای عباسی و مسئله خلق قرآن

خلفای عباسی تا پیش از مأمون، چندان به مسئله حدوث و قدیم قرآن توجهی نداشتند و هیچ نظریه‌ای را به عنوان نظریه رسمی حکومت، تبلیغ و ترویج نمی‌کردند. هارون الرشید

۱. لقب تحقیرآمیزی است که برخی از علمای کلام به اصحاب حدیث دادند؛ زیرا غالباً قائل به تجسم و تشبیه خداوند بودند. (محمدجواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۱۵۹)
۲. محمدبن عبدالکریم شهرستانی، ملل و نحل، ج ۳، ص ۱۹.
۳. از متکلمان نیمه اول قرن دوم که به سبب قدری بودن و قول به خلق قرآن، مشهور است. او به سبب عقاید غیرمتعارفش، به امر هشام بن عبدالملک و به دست خالد بن عبدالله قسری، والی کوفه، کشته شد. (محمدبن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۴۴۳)
۴. جهم بن صفوان، از متکلمان قرن دوم هجری است. وی از شاگردان جعدبن درهم بود. عقیده کلامی او، از جهتی شبیه مرجئه بود؛ چون ایمان را به قلب می‌دانست و از جهتی، شبیه معتزله بود و اعتقاد به نفی صفات زاید بر ذات داشت. وی در سال ۱۲۸ هجری در مرو به دست سالم بن احوز کشته شد. (ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل «جهم بن صفوان»)
۵. ابوالفداء اسماعیل بن عمرو (ابن کثیر)، البدایة والنهایة، ج ۹، ص ۳۵۰؛ ابوالحسن علی بن اسماعیل الاشعری، پیشین، ص ۳۱۳.
۶. قاضی عبدالجبار، پیشین، ج ۷، ص ۳؛ احمد بن حسین بیهقی، الاسماء والصفات، ج ۱، ص ۳۹۴ - ۳۹۶.

(حک ۱۷۰-۱۹۳ق) اساساً با مجادلات کلامی مخالفت می‌ورزید و متکلمان را دشمن می‌دانست. از او نقل کرده‌اند که وقتی شنید بشر بن غیاث المریسی (م ۲۱۸ق)، از فقیهان دوره هارون و مأمون، قرآن را مخلوق می‌داند، گفت: «قسم به خدا! اگر بر وی دست یابم، او را خواهم کشت.»^۱ مأمون با فتوای احمد بن حنبل (م ۲۴۲ق)، قصد کشتن بشر را داشت؛ اما او را تبعید کرد.^۲ بشر، کسی است که در متون تاریخی از او نامه‌ای نقل شده که در آن می‌گوید: «آنچه جز خداوند است، مخلوق است و قرآن، کلام خداست؛ تو خود دریاب.»^۳ مأمون، برخلاف پدرش، به بحث‌های عقلی و کلامی علاقه‌مند بود و گرایش معتزلی داشت.^۴ وی پس از آنکه در سال ۱۹۸ هجری به حکومت رسید، به جانب‌داری از نظریه معتزله برخاست و از آنجا که معتزله اعتقاد به حدوث قرآن را لازمه اعتقاد به یگانگی خداوند، و اعتقاد به قدم و ازلیت آن را مخالف با اصل توحید می‌دانستند، دفاع از عقیده خود را در حقیقت دفاع از اصل توحید تلقی می‌کردند. بدین جهت، برخی از آنان که در دربار مأمون نفوذ داشتند، وی را به دفاع از نظریه حدوث و خلق قرآن تشویق نمودند.^۵ مأمون دفاع از نظریه قرآن را سیاست رسمی حکومتش قرار داد و بر مخالفان این دیدگاه، با شدت عمل برخورد کرد.^۶

سیاست سخت‌گیری بر مخالفان خلق قرآن، در دوره معتصم (حک ۲۱۸-۲۲۷ق) ادامه یافت و ماجرای محنه به اوج خود رسید؛ به طوری که به دستور خلیفه بدن احمد بن حنبل (م

۱. احمد امین، *ضحی الاسلام*، ج ۳، ص ۸۳.

۲. شمس‌الدین محمد بن احمد ذهبی، *تاریخ اسلام ووفیات المشاهیر والأعلام*، ج ۱۸، ص ۹۷.

۳. احمد بن علی خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۷، ص ۶۲.

۴. علی بن حسین مسعودی، *التنبیه والاشراف*، ص ۳۳۹.

۵. طبری، پیشین، ج ۸، ص ۶۱۹ به بعد؛ عمادالدین اسماعیل ابوالفداء، *تاریخ ابوالفداء*، ج ۲، ص ۳۰.

۶. ابوعلی ابن مسکویه، *تجارب الأمم*، ج ۴، ص ۱۶۴.

(۲۴۱ق) به ضربات تازیانه سپرده شد و زخم‌هایی برداشت که گفته می‌شد آثارش تا پایان عمر او برجا بود.^۱ احمدبن حنبل در مجموع، ۲۸ ماه در حبس بود.^۲

وائق (حک ۲۳۲-۲۲۷ق)، جانشین معتصم نیز در بسط و گسترش عقیده خلق قرآن کوشید. وی مردم را ملزم نمود تا عقیده مخلوق بودن قرآن را بپذیرند.^۳ به کارگزاران و حاکمان ایالات تأکید شد کسانی را که تا آن زمان امتحان نشده‌اند، به دادگاه فراخوانده شوند^۴ که از نتایج امر، اطلاعی در اختیار نیست. در همین زمان، جماعتی از علمای مصر برای امتحان به بغداد فراخوانده شدند که ابویعقوب بویطی^۵ (م ۲۳۲ یا ۲۳۱ق)، از جمله آنان بود. گفته می‌شود نامه وائق به محمدبن ابی لیث^۶ (زنده در ۲۳۰ق) در مورد امتحان همه مردم، فقیهان، محدثان، مؤذنان و ایجاد محنه، هیچ واکنشی در پی نداشت و به دستور ابی لیث، کاتبان بر مساجد نوشتند: «نیست خدایی، جز خداوند قرآن مخلوق.» و به دنبال آن، فقهای پیرو مالک و شافعی را از حضور در مساجد منع کردند.^۷

پس از معتصم، جانشین او متوکل (حک ۲۳۲-۲۴۷ق)، جانب ابن حنبل را گرفت و به کمک یکدیگر قضیه را به نفع مذهب وی - اعتقاد به قدم قرآن - خاتمه داد و علمای

۱. احمد ابونعیم اصفهانی، *حلیة الاولیاء*، ج ۹، ص ۲۰۵ - ۲۰۶؛ محمد ابوالعرب، *المحنة*، ص ۴۳۸؛ ابوالفرج عبدالرحمن ابن جوزی، *مناقب الإمام احمد*، ص ۴۴۲ - ۴۴۳.

۲. ابن جوزی، پیشین، ص ۴۴۴؛ ابونعیم اصفهانی، پیشین، ج ۹، ص ۱۹۷؛ احمدبن ابراهیم ابن خلکان، *وفیات الأعیان*، ج ۱، ص ۶۴.

۳. علی بن حسین مسعودی، *مروج الذهب ومعادن الجواهر*، ج ۲، ص ۷۰۰.

۴. ابن یوسف الکندی، *تاریخ ولایة مصر ویلیه کتاب تسمیة قضاتها*، ص ۳۴۰.

۵. ابویعقوب بویطی، شاگرد شافعی بود که به سبب مخالفتش با خلق قرآن، مورد شکنجه قرار گرفت و در زندان مصر درگذشت. (ابن خلکان، پیشین، ج ۷، ص ۶۳)

۶. محمدبن ابی لیث، والی مصر در زمان خلافت وائق بوده است که به دستور وی، با شدت مسئله خلق قرآن را در ایالت مصر دنبال می‌کرد. (ر.ک: الکندی، پیشین، ص ۳۴۰)

۷. همان، ص ۳۳۰.

مخالف خود را از میدان به در برد و به سکوت واداشت؛^۱ اما از آن پس، مذهب اهل حدیث با محدوده‌ای که ابن‌حنبل برایش تعیین کرده بود، رایج شد و مذاهب دیگر را بدعت دانستند. متعاقب این جریان، کلیه گروه‌های محدثین - به منظور دفاع از دیدگاه‌های خود - با هم درگیر شدند و هرکدام نظر خاص خودشان را اظهار داشتند.

این اقدامات و سخت‌گیری‌ها که بخشی از آن مصادف با عصر امام هادی علیه السلام بود، سبب نفرت مردم از معتزله شد.^۲ متوکل عباسی جانب اهل حدیث را گرفت و مسئله معروف به «محنة القرآن» را خاتمه داد؛ ولی بحث همچنان رونق داشت و تا مدت‌ها در جامعه اسلامی مطرح بود.^۳

علل و عوامل ایجاد عصر محنه

دوره محنه با وجود ماهیت کلامی، دارای علل سیاسی و فکری بود. ایجاد محنه، از رویکردهای سیاسی و شخصی از جانب مأمون، و از الزامات سیاسی حکومت از جانب معتصم و واثق بود؛ به تعبیر دیگر، محنه خلق قرآن، یک مقوله سیاسی بود. «امتحان با قرآن مخلوق، به روشنی طبیعت حکومت و ماهیتش را آشکار می‌کند. این اقدامات، برای استحکام سیاسی و دینی این دولت انجام شده است.»^۴ مأمون خطر بالقوه اهل حدیث را درک کرده بود و قدرت ایشان را تهدیدی برای دولتش می‌دانست.^۵ ایجاد این جریان، یعنی محنه، نشان‌دهنده واقع‌بینی سیاسی وی و جریانی برای جلوگیری از قدرت و سیطره

۱. ابن‌کثیر، پیشین، ج ۱۰، ص ۳۳۰.

۲. علی محمد ولوی، تاریخ علم کلام در اسلام، ص ۴۶۸.

۳. جلال‌الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۳۰۶.

۴. فهمی جدعان، المحنة، ص ۱۷ - ۱۸.

۵. همان، ص ۳۴۶.

اهل حدیث بود.^۱ در واقع، مأمون می‌کوشید با طرح مسئله خلق قرآن، از عالمان معتزله برای تبیین مبانی نظری مشروعیت خلافتش بهره گیرد.^۲

به نظر می‌رسد که مهم‌ترین عوامل ایجاد محنه، جلوگیری از تبدیل قدرت مذهبی به قدرت عرفی بود؛ به این معنا که اهل حدیث بعد از انشعاب دینی از سیاست، کم‌کم در میان مردم جایگاه خاصی کسب کرده بودند و به قدرت موازی در مقابل قدرت سیاسی و دنیایی حکام زمان تبدیل شده بودند. در واقع، ایجاد محنه، راهی برای از بین بردن خطر بالقوه ایشان و جلوگیری از فعلیت یافتن قدرت عرفی آنها بود. باید گفت که پذیرش عقیده خلق قرآن از سوی مأمون، از انگیزه‌های سیاسی پنهان وی ناشی می‌شد. او، مرد بااحتیاطی بود. سیاست وی، فرصت مناسبی برای گسترش عقیده معتزله در همه ابعاد فراهم آورد و مأمون در این پیشرفت، نقش بسیاری داشت و به دست وی، خواسته‌ها و آرزوهای معتزله جامه عمل می‌پوشید. واضح است هر تفکری که در خدمت حکومت درآید، بالآخره از مسیر خود خارج می‌شود و به وسیله‌ای در جهت عکس هدف اولیه آن تبدیل می‌گردد. در جریان محنه نیز وقتی عقیده معتزله به وسیله‌ای در دست حکومت تبدیل شد، از مسیر اصلی خود منحرف شد و به دستگاهی برای کنترل مخالفان تبدیل گردید.

امام هادی علیه السلام و مسئله خلق قرآن

با بررسی گزارش‌های تاریخی و محنه‌هایی که بر هر دو گروه معتزله و اهل حدیث گذشته است، می‌توان استنباط کرد که سخت‌گیری‌های موجود در آن زمان، برای احقاق حق و زدودن شک و تردید نبود؛ بلکه هر گروه با دنبال کردن این بحث، خواهان سرکوبی

۱. محمد رضایی، «عصر محنه در تمدن مسلمانان»، مجله تاریخ اسلام، پاییز، ش ۱۹، ص ۵۴.

۲. نیره دلیر، «گونه‌شناسی رفتار سیاسی علمای معتزلی و خلفا عباسی در عصر خلافت هارون تا پایان دوره واثق»، مجله تاریخ اسلام، ش ۷۰، ص ۱۹۲.

گروه مقابل بودند. ائمه علیهم السلام که شاهد و ناظر این مسائل بودند، مسئله را امری علمی - که افراد دو گروه درگیر آن درصدد یافتن واقعیت باشند - نیافتند. این دیدگاه را می‌توان در مورد همه ائمه علیهم السلام که ناظر درگیری‌های مربوط به مسئله خلق قرآن بودند، یکسان دید و این، حاکی از تشخیص دقیق و به‌موقع آنان در این مسئله است. با بررسی دیدگاه ائمه علیهم السلام از امام صادق علیه السلام تا امام هادی علیه السلام، می‌توان به این نکته پی برد که تمام این بزرگواران از ورود به جدال مذکور خودداری کرده‌اند و اصحاب خود را از غور و فرورفتن در این مسائل برحذر می‌داشتند.

یکی از اصحاب به امام صادق علیه السلام، طی نامه‌ای اختلاف مردم عراق را درباره برخی از موضوعات کلامی به امام نوشت و از آن حضرت خواست تا نظر خود را درباره آنها بیان نماید. یکی از آن موضوعات، اختلاف بر سر مخلوق بودن یا مخلوق نبودن قرآن بود. امام علیه السلام در پاسخ او نوشت:

درباره قرآن و اختلاف مردم درباره آن سؤال کرده‌ای؛ قرآن، کلام خدا و حادث و غیرمخلوق و غیرازلی است. خدا بود و جز او، چیزی نه معلوم بود و نه مجهول. خدا بود و متکلم و مرید و فاعل نبود. پس، همه این صفات، حادث‌اند؛ چنان‌که فعل خدا حادث است، قرآن کلام خدا و غیرمخلوق است.^۱

سلیمان بن جعفر جعفری^۲ (زنده در ۲۰۲ق) از اصحاب امام کاظم علیه السلام گوید به ایشان عرض کردم:

۱. محمد بن علی صدوق، *الأمالی*، ص ۲۲۶ - ۲۲۷.

۲. سلیمان بن جعفر جعفری، از اولاد جعفر بن ابی طالب و از ثقات اهل حدیث است. او از اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام می‌باشد. نجاشی او را از ثقات می‌داند و می‌گوید: «او، کتابی به نام *فضل الدعاء* دارد که عبدالله بن محمد بن عیسی از او نقل می‌کند.» (نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۱۸۲ و ۱۸۳)

«یابن رسول الله نظرت درباره قرآن چیست؟ کسانی که پیش از ما بودند، در آن اختلاف پیدا کردند. قومی گفتند مخلوق است و قومی گفتند غیرمخلوق است.» امام در پاسخ فرمود: «اما من به آنچه آنان گفتند، معتقد نیستم؛ بلکه می‌گویم قرآن، کلام خداست.»^۱

با دقت در پاسخ امام کاظم علیه السلام، این نکته به دست می‌آید که امام قصد پرداختن به این مسئله را نداشته است؛ زیرا با توجه به اهداف و انگیزه‌هایی که برپاکندگان این مجادلات داشتند، فرورفتن در آن را به مصلحت اسلام در آن مقطع نمی‌دانستند و با اکتفا به این نکته که قرآن، کلام خداست و هیچ فردی و گروهی روی آن تردید و اختلافی ندارد، قصد داشت ماده اختلاف را ریشه کن کند. البته ائمه علیهم السلام زمانی که احساس می‌کردند موقعیت مناسبی است، رأی و دیدگاه علمی خود را در این موضوع مطرح می‌کردند که خالق، خداوند است و غیر او، مخلوق است. قرآن، نفس خدا نیست؛ وگرنه لازمه آن، وحدت نازل کننده و نازل شده می‌بود؛ حال آنکه چنین نیست. پس، قرآن به‌ناچار مخلوق خداوند است.^۲

امام رضا علیه السلام نیز برخوردی مشابه موسی بن جعفر علیه السلام با مسئله خلق قرآن دارد. حسین بن خالد^۳ (زنده در ۱۸۳ق) از امام رضا علیه السلام پرسید: آیا قرآن خالق است یا

۱. همان، ص ۲۲۵.

۲. محمدرضا حاجی اسماعیلی، «بررسی رویکرد کلامی اشاعره و معتزله به چیستی کلام الهی»، مجله الهیات تطبیقی، سال اول، ش ۲، ص ۱۰۰.

۳. حسین بن خالد الصیرفی، از راویان شیعه است. در میان کتب رجال، به غیر از برقی که وی را از اصحاب امام کاظم علیه السلام معرفی کرده، کس دیگری به او نپرداخته است. (احمد بن محمد بن خالد برقی، *الرجال*، ص ۴۸) با این حال، با بررسی روایاتی که وی بدون واسطه از معصوم علیه السلام نقل حدیث نموده، معلوم می‌شود که او علاوه بر امام کاظم علیه السلام، از امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام نیز حدیث روایت کرده است. (رک: محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۲۹ و ۶۱۸)

مخلوق؟ امام در پاسخ فرمود: «نه خالق است و نه مخلوق؛ بلکه کلام خدای عزوجل است.»^۱

امام هادی علیه السلام نیز همین سیاست را در برخورد با مسئله خلق قرآن داشتند. اصلی که امام هادی علیه السلام در این زمینه در پیش گرفتند، پرهیز از مناقشه و جدال بود. مناقشه و جدل که عمدتاً از یک فضای غیرعلمی و نیز غیرعقلی ناشی می‌شود، آثار و تبعات زیان‌باری در حوزه سیاست و اجتماع بر جای می‌گذارد و با اتلاف هزینه، یکی از عوامل اصلی عقب‌ماندگی به شمار می‌رود. امام هادی علیه السلام در خصوص جدل هشدار می‌دهد و آن را عامل گسسته‌شدن پیوندها و تباه‌شدن دوستی‌ها می‌داند. ایشان به این نکته دقیق اشاره می‌کند که حداکثر هدفی که در مجادله دنبال می‌شود، غلبه بر طرف مقابل است و البته دستیابی به این هدف، یعنی غلبه بر طرف مقابل نیز در نهایت، مطلوب نخواهد بود و تبعات منفی خود را به دنبال دارد.^۲

از دید امام هادی علیه السلام ورود در مبحث مسئله محنه یا خلق قرآن، مصداق مناقشه و جدلی است که در این صحنه پیروزی نخواهد داشت و حتی تبعات منفی هم در پی خواهد داشت؛ یعنی ورود به آن، گرفتارشدن در دام سیاست‌مدارانی خواهد بود که برای رسیدن به اهداف خود، به این مسئله دامن زده‌اند. امام هادی علیه السلام معتقد بود موضوع خلق قرآن، جنبه سیاسی پیدا کرده بود؛ درحالی که هیچ فایده علمی بر آن مترتب نبود و موجب اتلاف وقت می‌شد. از سوی دیگر، ممکن بود شیعیان را نیز وارد میدان کرده، فرصت‌های آنان را در راه‌های بیهوده تلف کند. همچنین، نزاع بر سر این مسئله به افراط گراییده، موجب بروز

روایات منقول از وی، در حوزه‌های متعدد است و همان‌طور که سؤالات فقهی از ائمه علیهم السلام داشته، پرسش‌هایی نیز در زمینه‌های دیگری نظیر: عبادات، کلام، تفسیر و تاریخ نیز داشته است. با این همه، مجموع روایات شناخته‌شده وی، بیش از ده مورد نیست. تاریخ تولد و زمان وی، مشخص نیست.

۱. محمدبن علی صدوق، توحید، ص ۵۲۲.

۲. حسین حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۱۳۹.

تفرقه میان صفوف مسلمانان و برخوردهای خشن و خون‌بار شده بود. اساساً بحث خلق قرآن، از محدوده یک مبحث کلامی صرف خارج شده، بازیچه سیاست‌بازان عباسی شده بود. اینکه امام هادی علیه السلام به شیعیانش دستور می‌دهد در این زمینه اظهار نظر نکنند و جانب هیچ‌یک از دو دیدگاه خلق یا قدم قرآن را نگیرند،^۱ دلیل آن است که نتیجه‌ای برای شیعیان در این بحث نمی‌بیند.

موضع‌گیری حکیمانه امام هادی علیه السلام وقتی مشخص می‌شود که این مسئله با برخورد دیگران در خصوص مسئله خلق قرآن مقایسه شود. اهل حدیث و معتزله، در این مبحث دامنه‌دار و ملال‌آور آن روزگار که حکومت نیز در شعله‌ور شدن آن نقش بسیار داشت، گرفتار شدند. علمای اهل حدیث و معتزله تا مدت‌ها به مجادله با یکدیگر در این زمینه می‌پرداختند و به ردّ شبهات مخالفان خویش می‌پرداختند.^۲ امامیه با اینکه عقیده‌اش در مورد قرآن روشن و مستحکم است، ولی به دستور امام هادی علیه السلام در این قضیه وارد نشد. امام علیه السلام طرح این بحث را همچنان که گفته شد، دامی از جانب حکومت عباسیان برای اهداف سیاسی خویش می‌دانست. از این‌رو، در نامه‌ای به شیعیان بغداد این مسئله را فتنه خواند و از خداوند خواست شیعیان را از افتادن در آن در امان بدارد.

ابن بابویه در روایتی از محمد بن عیسی یقطینی که از نظر رجال شیعی، فردی ثقه و صحیح‌الحدیث است،^۳ نقل می‌کند که امام هادی علیه السلام به برخی از شیعیان خویش در بغداد چنین نوشت:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند ما و شما را از وقوع در فتنه حفظ

کند که در این صورت، بزرگ‌ترین نعمت را به ما ارزانی داشته است و جز این،

۱. محمد بن علی صدوق، *الأمالی*، ص ۵۴۶.

۲. میمون بن محمد نسفی، *تبصرة الأدلة فی اصول الدین*، ج ۱، ص ۳۰۵ - ۳۵۹؛ محمد بن محمد بزودی، *اصول الدین*، ص ۵۳ - ۶۹.

۳. محمد بن عمرو کشی، *رجال الکشی*، ج ۱، ص ۲۹۶.

هلاکت و سیه‌روزی است. ما معتقدیم که بحث و جدل درباره خلق قرآن، بدعتی است که سؤال‌کننده و جواب‌دهنده در آن شریک‌اند؛ زیرا چیزی دستگیر سؤال‌کننده می‌شود که سزاوار نیست و جواب‌دهنده نیز برای موضوعی که در توانش نیست، بی‌جهت خود را به رنج و مشقت می‌افکند. خالق، جز خدا نیست و به جز او، همه آفریده‌اند و قرآن، کلام خداست و از پیش خود اسمی برای آن قرار مده که جزء گمراهان خواهی گشت. خدا ما و شما را از کسانی قرار دهد که در نهم از پروردگار خود حساب می‌برند و از قیامت در هراس هستند.^۱

نکته مهم در برخورد امام هادی علیه السلام، فتنه نامیدن مسئله خلق قرآن است. فتنه در زبان عربی، به این معناست که گاهی میان دو یا چند نفر بر سر یک مسئله نزاعی رخ دهد و انسان از تشخیص خوب یا بدبودن آن وامی‌ماند.^۲

امام علی علیه السلام در مورد فتنه می‌فرماید: «در فتنه‌ها مانند شتر دوساله باش که نه پشتی دارد تا دیگران از آن سواری بگیرند و نه پستانی دارد تا دیگران از او شیری بدوشند.»^۳ و یا در جای دیگر می‌فرماید: «در زمان فتنه، با احتیاط و با بصیرت گام بردارید.»^۴ امام هادی علیه السلام مسئله خلق قرآن را فتنه می‌دانست که همانند غبار، جامعه را تیره و تار کرده است و بهترین راهبرد در این موقعیت زمانی را، عدم ورود به آن می‌دانست.

بعد از زمان امام هادی علیه السلام شدت فتنه خلق قرآن اهمیت خود را از دست داد و همین امر موجب گردید تا موضع‌گیری امام عسکری علیه السلام (م ۲۶۰ق) نسبت به امام هادی علیه السلام در

۱. محمدبن علی صدوق، *الأمالی*، ص ۵۴۶؛ محمدباقر مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۸۹، ص ۱۱۸؛ پژوهشکده

باقرالعلوم، فرهنگ جامع سخنان امام هادی علیه السلام، ص ۱۱۶.

۲. ر.ک: *المنجد فی اللغة*، ص ۵۶۸.

۳. *نهج البلاغه*، حکمت ۱.

۴. همان، خطبه ۱۵۱.

این زمینه تغییر کند. از این رو، امام عسکری علیه السلام آشکارا بیان می‌کند که قرآن، مخلوق است.^۱

ابوهاشم جعفری،^۲ (زنده در ۲۶۰ق) از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بیان می‌کند: خیلی علاقه داشتم بدانم امام عسکری علیه السلام درباره قرآن چه عقیده‌ای دارد؛ مخلوق است یا غیرمخلوق؟ آن جناب رو به من کرد و پرسید: مگر نشنیده‌ای آن روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: وقتی «قل هو الله احد» نازل شد، برایش چهارهزار بال خلق گردید. به هر گروهی از ملائکه که می‌گذشت، در برابر آن تواضع می‌کردند و می‌گفتند: این، نسبت خداوند بزرگ است.^۳

امام عسکری علیه السلام در روایت فوق می‌خواهد بگوید این آیه و در نتیجه کل قرآن، مخلوق و حادث است؛ نه غیرمخلوق و قدیم.

در حدیثی دیگر نیز ابوهاشم می‌گوید: به ذهنم خطور کرد که قرآن مخلوق است یا غیرمخلوق؟ امام عسکری علیه السلام فرمود: ابوهاشم! خداوند آفریننده همه چیز است و هر چیزی غیر از خدا، مخلوق است.^۴

امام علیه السلام در این روایت، نخست دیدگاه خود را درباره مخلوق بودن قرآن به صراحت بیان می‌کند. این، نشان دهنده فقدان یا کاهش خطر و تهدید برای شیعیان در این زمینه نسبت

۱. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۴۳۱.

۲. داوود بن قاسم، معروف به ابوهاشم جعفری، از نوادگان جعفر بن ابی طالب بود که به سبب انتساب به جعفر بن ابی طالب، به «جعفری» مشهور شده است. وی از اصحاب امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام است که روایات بسیاری از این بزرگواران نقل می‌کند. (ر.ک: نجاشی، پیشین، ص ۱۵۶)

۳. سعید بن هبته الله راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۸۶؛ محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۵۰، ص ۲۵۴.

۴. محمدباقر مجلسی، پیشین، ص ۲۵۸؛ ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۴۳۱.

به دوره امام هادی علیه السلام است؛ زیرا امام هادی علیه السلام به همین میزان هم نظرشان را صریحاً اعلام نفرمود و شیعیان را از مباحثه در این زمینه برحذر داشت.^۱

نتیجه

مسئله خلق قرآن، یک مسئله کلامی بود که طرح آن در جامعه اسلامی، به یک جریان فکری و سیاسی تبدیل شد. این مسئله، یکی از مجادلات و منازعات سده‌های دوم و سوم هجری بود که انسجام فکری جامعه اسلامی را تهدید کرد. این مسئله، سرانجام به دخالت دستگاه خلافت و اتخاذ سیاست محنه از سوی مأمون و جانشینانش منجر گردید. سیاست محنت در مدت نزدیک شانزده سال، اساس کار دستگاه خلافت در رویارویی با اهل حدیث گردید. علت آنکه مأمون و دو جانشین او، به مبحث خلق قرآن دامن می‌زدند، آن بود که مسلمانان را در چارچوب عقاید معتزله به نفع خود متحد سازند و اختلافات را به سود حکومت از بین ببرند و با این اقدام، وجهه شرعی خلافت را حفظ نمایند و مرجعی برای حل و فصل مسائل اجتماعی درست کنند. در حقیقت، هدف مأمون از این اقدام، تلفیق قدرت دینی و سلطه دنیایی با هم بوده است و از این طریق، جلوگیری از ایجاد قدرت موازی دیگری بود که کم‌کم جای خود را در جامعه بازمی‌کرد و در عمل، حیات قشر روشن‌فکر جامعه، یعنی کسانی که از افکار سنتی خسته شده بودند، گسترش می‌یافت. سیاست امام هادی علیه السلام در برخورد با مسئله خلق قرآن، آن بود که موضوع خلق قرآن، جنبه سیاسی پیدا کرده و در چنین فضایی، هیچ فایده علمی و اجتماعی و فرهنگی بر این بحث مترتب نیست و ورود به این مسئله، صرفاً موجب به هدر رفتن وقت و سرمایه انسانی است. ورود به این صحنه، پیروزی نخواهد داشت و حتی تبعات منفی هم به دنبال خواهد داشت؛ یعنی ورود به آن، به معنای گرفتارشدن در دام سیاست‌مداران عباسی خواهد بود که برای

۱. ریحانه کریم‌زاده و رضیة‌السادات سجادی، «بررسی تطبیقی دیدگاه و نحوه تعامل امامین عسکریین با فرق و جریان‌های فکری معاصر آن»، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، ش ۴، ص ۷۸ - ۷۹.

رسیدن به اهداف سیاسی خویش، به این مسئله دامن زده‌اند. امام علیه السلام از مسئله خلق قرآن با عنوان «فتنه» یاد می‌کند تا به شیعیان تفهیم نماید حق و باطل در این جریان، روشن نیست و حالت غبارآلود به خود گرفته است.

منابع

۱. نهج البلاغه.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، مناقب الإمام احمد، مصر: [بی نا]، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن حزم، ابو محمد علی بن احمد، الفصل فی الملل والاهواء والنحل، بیروت: دار الجمیل، [بی تا].
۴. ابن خلکان، احمد بن ابراهیم، وفيات الأعیان، به اهتمام احسان عباس، قم: نشر الشریف الرضی، ۱۳۶۴ش.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، ابو جعفر محمد، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ش.
۶. ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل بن عمر، البدایة والنهاية، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
۷. ابن المرزبانی، احمد بن یحیی، طبقات المعتزلة، بیروت: دار المکتب الحیاة، ۱۴۰۷ق.
۸. ابن مسکویه، ابو علی، تجارب الأمم، تصحیح ابوالقاسم امامی، تهران: سروش، ۱۳۷۶ش.
۹. ابوالعرب، محمد، المنحة، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۸۳م.
۱۰. ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، تاریخ ابوالفداء، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۱۱. ابوزهره، محمد، تاریخ المذاهب الاسلامیة فی السیاسة والعقائد وتاریخ المذاهب الفقهیة، قاهرة: دار الفکر العربی، [بی تا].
۱۲. ابونعیم اصفهانی، احمد، حلیة الأولیاء، قاهرة: مطبعة السعادة، ۱۹۳۲م.
۱۳. امین، احمد، ضحی الإسلام، بیروت: دار الکتب العربی، [بی تا].
۱۴. ارفع، کاظم، سیره عملی امام علی النقی الهادی علیه السلام، قم: فیض کاشانی، [بی تا].
۱۵. الأشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۶. بدوی، عبدالرحمن، مذاهب الاسلامیین، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۹۶م.
۱۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، الرجال، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
۱۸. بزودی، محمد بن محمد، کتاب اصول الدین، تصحیح هانس پیتر لینس، قاهرة: [بی نا]، ۱۹۳۶م.
۱۹. بیهقی، احمد بن حسین، الاسماء والصفات، بیروت: دار الجمیل، ۱۹۹۲م.
۲۰. پژوهشکده باقرالعلوم، فرهنگ جامع سخنان امام هادی علیه السلام، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۵ش.
۲۱. تهامی، غلامرضا، فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵ش.

۲۲. جدعان، فهمی، *المحنة؛ بحث فی جدلیة الدینی والسیاسی فی الاسلام*، بیروت: مؤسسة عربی دراسات والنشر، ۲۰۰۰م.
۲۳. حاجی اسماعیلی، محمدرضا، «بررسی رویکرد کلامی اشاعره و معتزله به چیستی کلام الهی»، *مجله الهیات تطبیقی*، سال اول، ش ۲، ۱۳۸۹ش.
۲۴. حلوانی، حسین، *نزہة الناظر وتنبیه الخاطر*، قم: مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۸ق.
۲۵. حلی، حسن بن یوسف، *رجال*، نجف: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۲۶. خرم، فاطمه، «عصر محنت»، *مجله فرهنگ پژوهش*، ش ۵، ۱۳۸۸ش.
۲۷. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، بیروت: دار الکتب العلمیة، [بی تا].
۲۸. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ اسلام ووفیات المشاهیر والاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
۲۹. —، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۱-۱۹۸۸م.
۳۰. راوندی، سعید بن هبة الله، *الخرائج والجرائح*، قم: مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۱. رضایی، محمد، «عصر محنه در تمدن مسلمانان»، *مجله تاریخ اسلام*، پاییز، ش ۱۹، ۱۳۸۳ش.
۳۲. روح الله امیری، زهرا، «زندگی و زمانه احمد بن حنبل»، *مجله تاریخ اسلام*، پاییز، ش ۲۳، ۱۳۸۴ش.
۳۳. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۹، ۱۳۹۱ش.
۳۴. دلیر، نیره، «گونه شناسی رفتار سیاسی علمای معتزلی و خلفا عباسی در عصر خلافت هارون تا پایان دوره واثق»، *مجله تاریخ اسلام*، ش ۷۰، ۱۳۹۶ش.
۳۵. سلیمان، کامل، *الإمام الهادی علیه السلام مع مروق القصر وقضاة العصر*، بیروت: دار التعارف، ۱۴۲۱ق.
۳۶. سیوطی، جلال الدین، *تاریخ الخلفاء*، بغداد: مکتبة المثنی، ۱۴۱۶ق.
۳۷. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *ملل و نحل*، تحقیق محمد سید گیلانی، مصر: مکتبة الشاملة، [بی تا].
۳۸. صدوق، محمد بن علی، *الأمالی*، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۳۹. —، *توحید*، قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ش.
۴۰. طباطبایی اسکندری، ابوالفضل و مهدی اسماعیلی، *موسوعة الإمام الهادی علیه السلام*، قم: مؤسسة ولی عصر علیه السلام، ۱۴۲۴ق.

۴۱. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: [بی نا]، [بی تا].
۴۲. الطبسی، محمدجواد، حیاة الإمام الهادی علیه السلام، قم: فیض کاشانی، ۱۴۲۶ق.
۴۳. العجلی، احمدبن عبدالله، معرفة الثقات، مدینه: مکتبة الدار، ۱۴۰۵ق.
۴۴. قاضی عبدالجباربن احمد، المغنی فی ابواب التوحید والعدل، اهتمام ابراهیم ایاری، قاهره: [بی نا]، ۱۹۶۱م.
۴۵. قرشی، باقر شریف، تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۳۷۱ش.
۴۶. کریمزاده ریحانه و رضیة السادات سجادی، «بررسی تطبیقی دیدگاه و نحوه تعامل امامین عسکریین با فرق و جریان های فکری معاصر آن»، پژوهش نامه مذاهب اسلامی، سال دوم، ش چهارم، ۱۳۹۴ش.
۴۷. کشی، محمدبن عمرو، رجال الکشی، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۳۶۳ش.
۴۸. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۴۹. الکندی، ابن یوسف، تاریخ ولایة مصر وبلیه کتاب تسمیة قضااتها، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیة، ۱۴۰۷ق.
۵۰. مجتهد شبستری، محمد، «معنای کلام و حیانی در نظر متألهان مسلمان»، مجله مقالات و بررسی ها، ش ۵۳ و ۵۴، ۱۳۷۱ش.
۵۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأبرار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵۲. المدرسی، سید محمدتقی، الإمام الهادی علیه السلام قدوة واسوة، تهران: مکتب العلامة المدرسی، ۱۴۲۰ق.
۵۳. مسعودی، علی بن حسین، التنبیہ والاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ش.
۵۴. ———، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش.
۵۵. مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی، به اهتمام کاظم مدیر شانہچی، مشهد: آستان مقدس رضوی، ۱۳۷۲ش.
۵۶. المنجد فی اللغة، بیروت: دار المشرق، ۱۹۶۹م.

۵۷. ناظمیان فرد، علی، «مأمون و محنه»، مجله پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، ش ۳، ۱۳۸۸ش.
۵۸. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، به اهتمام موسی شبیری زنجانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۵۹. نسفی، میمون بن محمد، *تبصرة الادلة فی اصول الدین علی طریقه الإمام ابی منصور الماتریدی*، به اهتمام کلود، دمشق: [بی‌نا]، ۱۹۹۰م.
۶۰. ولسف، هری اوسترین، *فلسفه علم کلام*، ترجمه احمد آرام، تهران: الهدی، ۱۳۶۸ش.
۶۱. ولوی، علی محمد، *تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی*، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۶۷ش.